

مجموعه پوستر

وحدت وجود یعنی...

زبان فارسی

وحدت وجود یعنی...

خدا از رگ گردن به ما نزدیکتر است

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

سورة ق - آية ۱۶

که ما از رگ گردن آدمی به اویم نزدیکتر هر دمی

# وحدت وجود یعنی ...

خدا احاطه دارد به اجزاء تک تک مولکولها  
و اتمهای هر موجود مادی

أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ

سورة فصلت - آية ۵۴

آن عظیم العرش عرش او محیط تخت دادش بر همه جانها بسیط

# وحدت وجود یعنی ...

خداوند به تمامی موجودات احاطه دارد:  
به اتم ها ، مولکول ها. به هر موجودی

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا

سورة النساء - آية ۱۲۶

قیاس تو بر وی نکردد محیط

محیط است علم ملک پر بسیت

# وحدت وجود یعنی...

فدا همه جا می باشد و هیچ مکانی فالی از فدا نیست

فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ

سورة البقرة - آية ۱۱۵

به هر سوی اگر روی خود برده اید به سوی خدا روی آورده اید

وحدت وجود یعنی ...

فدا بین ما و قلب ما می باشد

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ

سورة الأنفال - آية ۲۴

میان عاشق و مشوق هیچ حائل نیست  
تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

# وحدت وجود

کسی که می گوید: **خدا اینجا وجود ندارد**

از **تفکر مادی، نجات پیدا نکرده**

تصور او همچون تصور  
**وهابیت** است که می گوید: خدا  
بالای عرش در آسمان است و  
اینجا نیست.



TVSHIA.COM

وعدت وجود یعنی...

خداوند در هر مکانی می باشد.

خداوند امتیاج به مکان ندارد  
ولی

هر مکانی امتیاج به خدا دارد.

# وحدت وجود یعنی...

حیوانات وجود دارند.  
انسانها وجود دارند.  
ملائکه وجود دارند.



وجود یعنی چه؟  
وجود یعنی خدا

حیوانات خدا دارند.  
انسانها خدا دارند.  
ملائکه خدا دارند.

# حد و حدود یعنی ...

كُلِّ مَحْدُودٍ مُتَّاهٍ اِلَى حَدٍّ فَهُوَ غَيْرُ مَحْدُودٍ وَ  
لَا مُتَزَايِدٍ وَ لَا مُتَجَزِّئٍ وَ لَا مُتَوَهِّمٍ

هر محدودی، بالاخره در جایی تمام  
می شود، اما او نامحدود است، نه کم می شود نه زیاد  
می شود نه تقسیم می شود و نه حتی در لحاظهای  
ذهنی حد و مرزی دارد.

عالم الشرائع ج ۱ ص ۱۱۹

# وحدت وجود یعنی ...

مَنْفِي عَنْهُ الْأَقْطَارُ مُبَعَّدٌ عَنْهُ الْخُدُودُ

هیچ گونه مرز و حدی در مورد او حتی  
قابل تصور نیست.

الکافی ج ۱ ص ۱۱۲

# حد و حدود یعنی ...

غَيْرُ مَوْصُوفٍ بِحَدٍّ مُسَمًّى؛ لَمْ يَتَّنَاهُ إِلَى غَايَةٍ  
إِلَّا كَانَتْ غَيْرَهُ لَا يَزِلُّ مَنْ فَهَمَ هَذَا الْحُكْمَ أَبَدًا  
وَ هُوَ التَّوْحِيدُ الْخَالِصُ

هر گونه حد و مرزی که قابل تصور باشد در مورد او قابل تصور نیست. اگر قرار باشد موقعیت خاصی داشته باشد باید در غیر آن موقعیت، غیر او موجود باشد در حالیکه او نامحدود است؛ هر که این مطلب را بفهمد هیچگاه در معرفت انحراف پیدا نمی کند و این همان توحید ناب است.

کتاب جا ص ۱۱۳

# حد و حدود یعنی ...

لَا يُقَالُ لَهُ حَدٌّ وَ لَا نِهَآيَةٌ وَ لَا انْقِطَاعٌ وَ لَا غَايَةٌ وَ لَا أَنَّ  
الْأَشْيَاءَ تَحْوِيهِ فَتُقَلِّهُ أَوْ تُهْوِيهِ أَوْ أَنَّ شَيْئًا يَحْمِلُهُ فَيَمِيلُهُ أَوْ  
يُعَدِّلُهُ وَ لَيْسَ فِي الْأَشْيَاءِ بِوَالِجٍ وَ لَا عَنْهَا بِخَارِجٍ

اصلا در مورد او نمی توان تصور حد و انتها و تمام شدن و به آخر رسیدن را کرد؛ او درون هیچ کدام از اشیاء نیست تا به اندازه آن در بیاید یا روی اشیاء سوار نشده است تا در جهت خاصی حرکت کند؛ او در اشیاء داخل نشده است و از آنها نیز خارج نیست.

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۲۷۲

# وحدت وجود یعنی ...

وَ لَمْ يَكُنْ لَنَا بَدٌّ مِنْ إِثْبَاتِ مَا لَا نِهَيَاةَ لَهُ مَعْلُومًا مَعْقُولًا  
أَبَدِيًّا سَرْمَدِيًّا فَقَدْ ثَبَتَ فِي عُقُولِنَا أَنَّ مَا لَا يَتَنَاهَى  
هُوَ الْقَدِيمُ الْأَزَلِيُّ

عقل ما با دیدن مخلوقات محدود، ما را وادار می کند خالق بی  
نهایت اما قابل ادراک را قبول کنیم که موجودی ابدی و  
دائمی است و عقل ما به ما می گوید: فقط موجود بی نهایت  
است که می تواند آن خدای ازلی و ابدی باشد.

بحار الانوار ج ۹۰ ص ۹۱

# وحدت وجود یعنی ...

فَسُبْحَانَكَ مَلَأْتَ كُلَّ شَيْءٍ وَ بَايَنْتَ كُلَّ شَيْءٍ  
فَأَنْتَ الَّذِي لَا يَفْقِدُكَ شَيْءٌ

خدایا تو که از هر عیب و نقص منترهی، از سویی وجود  
تمام مخلوقات را پر کرده‌ای و از سوی دیگر با تمام  
مخلوقات متفاوتی، فقط تو هستی که هیچ موجودی تو را  
گم نمی‌کند و از خود جدا نمی‌بیند.

بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۲۸

# وحدت وجود یعنی ...

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْتَجَلِي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ

تمام ستایش‌ها متعلق به خدایی ست که بوسیله خلق  
کردنش، خود را به مخلوقاتش نشان داد.

نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۱۵۵

# وحدت وجود یعنی ...

هُوَ فِي الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا غَيْرُ مُتَمَازِجٍ بِهَا وَ لَا بَائِنٌ  
مِنْهَا، مُتَجَلٌّ لَا بِاسْتِهْلَالِ رُؤْيَةِ نَائٍ لَا بِمَسَافَةٍ  
قَرِيبٍ لَا بِمُدَانَاةٍ

او در تمام موجودات است اما نه به صورت ترکیب شده با آنها، و نه به صورت جدا شده از آنها، او در همه موجودات ظهور و تجلی دارد اما نه به صورت دیده شدن با چشم؛ او از همه موجودات دور است اما نه به صورت مسافت و مقدار و به همه موجودات نزدیک است اما نه به صورت چسبیدن.

توحید صدوق، ص ۲۵